

جمع کنند»؛ از این طریق یک اقتصاد غیررسمی شکل می‌گیرد. ضایعات را می‌فروشند و همانجا هم می‌خواهند مصرف می‌کنند. اقتصاددومی که در آنجا شکل می‌گیرد، کسانی‌اند که می‌ترسند در جای دیگری مواد بخرند و به این دره می‌آیند. آدم‌هایی از طبقه متوسط به بالا.» به‌مسئله‌اکوپارک اشاره می‌کنندومی‌گویندمعاون اجتماعی شهرداری منطقه ۲ می‌گوید ما از نظر اجتماعی نمی‌دانیم باید چه کار کنیم و این یعنی نداشتن پیوست اجتماعی. به گفته دیلمی زاده شهرداری منطقه از احداث گرمخانه مردان برای منطقه پرهیزی می‌کند؛ یک تفکر پشت این مسئله است که نمی‌خواهیم در منطقه و محدوده ما گرمخانه باشد، چون گرمخانه رفت و آمد ایجاد و ارزش زمین‌های آنجا کاهش پیدا می‌کند. این خیلی بد است که شهرداری یک منطقه به جای انجام وظیفه خودش برود سراغ دادستان و پلیس و استاندار و شورای تأمین تا بیایید اینجا جمع کنید و کار انتظامی انجام دهید و شهروندان من را که تا دیروز به من مالیات می‌دادند، جمع کنید؟ اگر برنامه اجتماعی بلد نیستید، سراغ آدم‌های اجتماعی بروید که بلدند.»

مالک حسینی می‌گوید ما یک بمبی داریم که آن را خنثی نمی‌کنیم و فقط جایش را عوض می‌کنیم، این یک اصطلاح زخم‌ت است، اما به‌نظم اصطلاح بدی نیست. شهرداری خودش از طرح‌های بی‌نتیجه گذشته آگاه است و می‌داند که هر بار یک پاتوق را از بین برده، پاتوق‌های دیگری ایجاد شده است. پیشنهاد حسینی این است که محوطه کوچکی در دره فرحزاد به صورت حفاظت‌شده برای افراد آسیب‌دیده که از طرح نیروی انتظامی بازمانده‌اند، در نظر گرفته و کارهای مددکاری برای آنها انجام شود، اما نباید کل دره را به همین شکل رها کرد و خواسته ۳۰ هزار نفر از ساکنان فرحزاد را به خاطر این افراد که نهایتاً ۵۰۰ نفر هستند، نادیده گرفت.

فرید براتی سده که سال‌ها در دفتر مطالعات ستاد مواد مخدر تجربه دارد، همه‌مطرح‌های تاکنون را شکست خورده می‌داند. او می‌گوید باید صفر تا صد کار معنادان متجاهر به‌دست یک نهاد باشد. مثل اتفاقی که در مورد بیماران روانی مزمن در زمان خودگردان شدن بیمارستان‌ها افتاد، تامدتی بیمارستان‌ها مجبور به ترخیص این بیماران بودند و در نهایت مسئولیت این بیماران به بهزیستی داده شد؛ «الان هم بهتر است صفر تا صد ماجرا را بدهند به یک دستگاه، اگر هم قرار شد دستگاه دیگری در آن کار کند، باید به‌زیستی هماهنگ کند. جمع‌آوری معتاد متجاهر مساله نیست، مهم این است که ابتدا به آنها امکانات بدهیم و کاری کنیم نمیرند، بعد کیفیت خدمات را ببریم بالا تا بتوانند روی پایشان بایستند که اینجا بیشتر مشکل داریم.» بر اساس آمارهای براتی ۱۸ هزار نفر در طرح‌هرندی جمع‌آوری شدند. ۱۰ هزار نفر به مراکز بهزیستی، ۷ هزار نفر به فشافویه، ۶۰۰ نفر به مرکز سروش و ۵۰۰ نفر به مرکز زیادیان سپاه سپرده شدند. «اما آنها تمام نمی‌شوند، چون آن‌کسی که فروشنده است، با زارش را از دست نمی‌دهد، می‌گردد عده دیگری را می‌آورد.»

ذی‌نفعان عملیات پاک‌سازی چه کسانی هستند

نشست به زمان جمع‌بندی رسیده است و همه از حل مسأله می‌گویند. سرهنگ حسونوند بعد از تمام این بحث‌ها همچنان از ساماندهی می‌گوید، او حتی می‌خواهد مراکز DIC و شلترها به خارج از شهر منتقل شوند. براتی با خروج این مراکز از شهر مخالف است و می‌گوید ما از این طرح حمایت نمی‌کنیم و این خدمات باید در محله‌ها ارائه شوند. مزارعی می‌گوید ما رامتعم می‌کنند به اینکه شهرداری می‌خواهد زمین‌ها را پاک‌سازی کند تا قیمت زمین افزایش یابد و منافع بیشتری ببرد. «این هنر شهرداری است. اگر انتفاع اقتصادی نگران‌کننده است، آنجایی است که ما از افزایش جمعیت معتادان سود ببریم.» از نظر او نظام‌اداری مدیران شجاعی می‌خواهد که هزینه‌اصلاحات را به‌جان بخرند و مشکلی را حل کنند

مردم محله فرحزاد دست‌هایشان را بالا می‌برند و می‌پرسند چرا کسی از آنها سخن نگفت و چرا خواسته‌هایشان نادیده گرفته شده است؟ یکی از اعضای شورایاری محله می‌گوید: «مردم محله فرحزاد ذی‌نفعان اصلی هستند. همه می‌گویند این کسانی که آسیب‌دیدند و به دره فرحزاد آمده‌اند، از مناطق دیگر هستند. عزیزان شهرداری بستر و فضای این مسأله را فراهم کردند و قبلاً هم آمدند به‌صورت گزینشی خانه‌های مردم را تملک و تخریب کردند و مشاهده شد که با ماشین معاونت اجتماعی شهرداری این افراد را در ابتدای رود دره فرحزاد پیاده کردند.» مردم به دنبال سروسامان گرفتن محله‌شان هستند. می‌خواهند چهره محله تغییر کنند، رود دره فرحزاد جایی شود برای کسب و کار و گردشگری و قیمت زمین‌هایشان بالا برود. اما غیر از مالکان محله و افراد مبتلا به اعتیادی که در دره زندگی می‌کنند، دیگری هم هستند که کسی به‌سرنوشت آنها فکر نمی‌کند. فرحزاد محل زندگی مهاجرانی است که در محله‌های پر ساخت‌وساز منطقه ۲ کار می‌کنند. آمارهای غیررسمی می‌گوید حدود ۸۰ درصد ساکنان این محله مستاجرند. در همسایگی محله‌هایی مثل سعادت‌آباد، سازمان‌های مردم‌نهاد هزینه زندگی و تحصیل کودکانی را می‌دهند که خانواده‌های مهاجرشان با درآمد کاری از پس آن بر نمی‌آیند. بالا رفتن قیمت زمین برای آنها معنای دیگری خواهد داشت. ماجرای دره فرحزاد فقط به جمع‌شدن معتادان و احداث پارک محدود نیست. به نظر می‌رسد مسأله زمین و ارزش آن یکی از مولفه‌های مهم در تصمیم‌گیری‌نهادهای مدیریت شهری درباره فرحزاد است. ذی‌نفعان هم فقط مالکان نسل اندر نسل زمین‌های فرحزاد نیستند. آیا ممکن است تصمیمات طوری گرفته شود که همه ذی‌نفعان به خواسته‌شان برسند و هیچ بازنده‌ای در این میان نباشد؟



علی احمدوند - آنا

مسئولان در نشست «دره فرحزاد، از پاتوق تا اکوپارک»

از طرح ضربتی‌شان دفاع کردند

کشمکش بر سر دره فرحزاد

✎ [شادی خوشکار] دی ماه امسال لودرهایی با حمایت نیروی انتظامی به دره

فرحزاد آمدند. آلونک‌ها را تخریب کردند و بیش از ۲۰ معتاد و کارتن خواب از رود دره فرحزاد خارج شدند. فرحزاد به زحمت می‌خواهد چهره جدیدی برای خود دست و پا کند. صبح‌ها عده‌ای از مردم در محاصره و حمایت نیروی انتظامی به‌بخشی از دره که مسطح‌شده می‌روند و ورزش صبح‌گاهی می‌کنند. سرنوشت کارتن خواب‌های خارج شده از دره فراموش می‌شود، این زمین‌ها مهم‌اند. مالکان می‌خواهند چهره جدید فرحزاد ارزش اموال‌شان را بالا ببرد. آنها بی‌بشترند. تعداد ساکنان محله فرحزاد حدود ۳ هزار نفر است، اما آمار معتادان و کارتن خوابان دره معلوم نیست و به‌طور میانگین ۵۰۰ نفر برآورد می‌شود. ساکنان محله البته برای زمین‌هایشان درگیری‌های بیشتری دارند. فعلا مسأله آنها این است که چهره دره تغییر کند. شهرداری منطقه ۲ هم همراه آنهاست. نیروی انتظامی هم از خواسته‌شان حمایت می‌کند. معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران نشستی با نام «دره فرحزاد، از پاتوق تا اکوپارک» برای رویارویی طرف‌های مختلف ماجرای دره فرحزاد برگزار کرده است، یوسف مزارعی معاون اجتماعی شهرداری منطقه ۲، سیدمالک حسینی سرپرست سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران، عباس دیلمی زاده مدیر انجمن تولدی موباره، عبدالوهاب حسونوند رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر تهران بزرگ و فرید براتی سده مدیرکل دفتر پیشگیری و درمان اعتیاد سازمان بهزیستی حضور دارند تا صدای همه طرف‌ها شنیده شود، حتی کارتن خواب‌هایی که از دره اخراج و به اجبار به طرح‌های ساماندهی سپرده‌شده‌اند.

شهرداری منطقه ۲ می‌خواهد برای این دره دسترسی ایجاد کند، روشنایی فضا را تأمین کند، خدمات شهری را گسترش دهد، حجم نخاله‌ها را خارج و این دره را تبدیل کند به اکو پارک، پارکی که حالت طبیعی‌اش را حفظ خواهند کرد. معاون امور اجتماعی و فرهنگی شهردار منطقه می‌گوید: «وقتی می‌گوییم جمع‌آوری شامل فروشندگان مواد هم می‌شود، اما کسانی آمده‌اند یا سهواً آن‌را نادیده می‌گیرند و می‌گویند برخورد امنیتی و پلیسی کرده‌اید و برخورد اجتماعی صورت نگرفته. حالا برخورد اجتماعی چیست را من نمی‌دانم و کسی هم دقیق به ما نگفته.» عده‌ای که یوسف مزارعی از آنها حرف می‌زند در همین جلسه حضور دارند، رسانه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد که با «جمع‌آوری یا به‌قول معاون اجتماعی نیروی انتظامی، «پاک‌سازی» مخالف‌اند. شهردار منطقه ۲ رسماً اعلام کرده اگر بتواند بودجه طرح را تأمین کند تا پایان سال ۹۹ دره تبدیل به پارک می‌شود. وضعیتی که از نظر شهرداری الان در جریان است باعث‌شده احساس‌تعلق مردم به محله یا بیاید و نتیجه آن حجم زباله‌ها و نخاله‌هایی است که در دره رها شده‌اند؛ «خروجی این مسأله وضعیتی است که به لحاظ بصری فوق‌العاده‌نازیباست، به‌لحاظ ناامنی مرکز قدرت‌مند تولید ناامنی اجتماعی است و از منظر احساس عمومی احساس روانی و ذهنیت جمعی شهروندان را نسبت به محیطی که دارند زندگی می‌کنند، تخریب می‌کند.»

چرا دره فرحزاد ناگهان پاک‌سازی شد

معاون اجتماعی شهرداری منطقه ۲ از فشار اجتماعی و اعتراض مردم می‌گوید: «به دلیل فشار اجتماعی و از بین رفتن فضای مهم شهری، شهرداری منطقه ۲ تلاش کرد این وضع را تغییر دهد. در این فضا به تدریج انحصاری ایجاد شد که فقط مصرف‌کنندگان یا تاجران حوزه مواد وارد آن می‌شوند و هر جایی حضور شهروندان کم شود فضا برای بزه‌باز می‌شود.» به‌گفته مزارعی در طرح جمع‌آوری و پاک‌سازی محله فرحزاد که دی‌ماه انجام شد، دادستانی و نیروی انتظامی از شهرداری حمایت کردند. البته سازمان‌های درگیر این مسأله بیشتر بودند و باعث شده به‌گفته مزارعی اختیار کار از دست شهرداری منطقه خارج شود. او می‌گوید ممکن است در فرآیند همکاری دستگاه‌های مختلف خط‌هایی رخ داده که منافع ذی‌نفعان را رعایت نکرده باشد. اما اینها باعث نمی‌شود که اصل کار زیر سوال برود؛ «ما نمی‌توانیم بایستیم و باید این شعارها که آنجا باید کار اجتماعی شود از دست رفتن یک فضای مهم حوزه شهری را تحمل کنیم. شهرداری منطقه ۲ تلاش می‌کند با پشتیبانی شهرداری تهران و سایر سازمان‌های همکار هم مصرف‌کنندگان مواد مخدر و فروشندگان مواد مخدر را از آنجا جمع‌آوری و هم آن فضا را از این وضع خارج کند.» هزینه‌ای که برای اجرای این

کار در فاز اول درخواست داده‌اند، ۱۰ میلیارد تومان است.

مالک حسینی ماجرای اجرای طرحی که خودش آن را عجله‌ای می‌داند دقیق‌تر تعریف می‌کند. عجله و اشتباهی که از برف آب‌ان شروع شد، زمانی که سازمان‌های غیردولتی منطقه خبر دادند شرایط برای کارتن خواب‌ها مناسب نیست و شهرداری در بازه زمانی ۸-۷ ساعت محلی در حاشیه رود دره فرحزاد برای اسکان کارتن خواب‌ها و معتادان در شب‌های برفی تجهیز کرد. مقاومت محلی از آنجا شروع شد؛ «اعتراض داشتند که شما چرا این افراد را که در اینجا خرید و فروش مواد می‌کنند، مستقر می‌کنید. این مسأله باعث جلسه‌ای شد که در آن همه‌اعضای شورای تأمین و نمایندگان محلی حضور داشتند، محلی‌های گفتند نیروی انتظامی دره را پاک‌سازی کند. با این فشار محلی استاندار تکلیف کرد که نیروی انتظامی پاک‌سازی دره را انجام دهد و بعد از آن بقیه طرح‌ها صورت‌گیرد. قرار بر این نبود که بحث «رود دره» شروع شود. این تصمیمی بود که از ترس اینکه برای کسانی که در دره هستند اتفاقی بیفتد انجام شد اما روش اجرایش خوب نبود.» ۳۰ هزار ساکن محله فرحزاد می‌گفتند در این دره حتی پنج زن کارتن خواب هم نیست، اما نیروی انتظامی وقتی وارد ماجرا شد در شب نخست بیش از ۷۰ زن مبتلا به اعتیاد را از آنجا خارج کرد. این فشار و تصمیم عجولانه باعث شد حتی استعلامی از شهرداری درباره تبعات اجتماعی این پاک‌سازی گرفته نشود. اگرچه این تبعات از تمام طرح‌های پیشین که خود حسینی هم از آنها نام می‌برد دیده شده؛ گود عرب‌ها، خاک‌سفید و آخرین‌شان‌هرندی که پاک‌سازی آن حدود یک‌سال قبل انجام شد.

سرهنگ حسونوند صحبت‌هایش را با ارایه نتایج طرح جمع‌آوری معتادان از هرندی شروع می‌کند. می‌خواهد در فرحزاد هم مانند هرندی طرح موفقیت‌آمیز اجرا شود. در این طرح بیش از ۳ هزار خرده‌ای معتاد متجاهر از محله هرندی خارج یا به‌گفته حسونوند ساماندهی شدند. او هم از مطالبات مردمی به‌عنوان فشار اجتماعی اجرای طرح جمع‌آوری یاد می‌کند و از اقدامات نیروی انتظامی می‌گوید. اقداماتی مثل دستگیری ۳۶ نفر از سرشاخه‌های تولید و فروش مواد و مرکز بازپروری مهر سروش که با مدیریت نیروی انتظامی تهران بزرگ با ظرفیت ۶۰۰ نفر شروع به کار کرد و تا چند ماه آینده به ظرفیت هزار نفر خواهد رسید؛ «رضایت‌مندی مردم به‌صورت نسبی و حتی بیشتر از نسبی حاصل شده و آنها از طریق ۱۱۰ و ۱۹۷ تقدیر و تشکرهایشان را از نیروی انتظامی به گوش ما می‌رسانند. بیش از تقریباً ۵۰۰ اتاقک یعنی ۹۰ پلاک قرمز پلمپ شد. خیلی از این اتاقک‌ها براساس شرایط بازگشایی شد.» خانه‌هایی که به فروش مواد مخدر اشتها دارند، مصادره می‌شوند. حسونوند بالاخره به مسأله فرحزاد می‌رسد و می‌گوید ۱۸۰۰ متر از دره پاک‌سازی شده و حدود ۳ هزار متر باقی مانده است. از سازمان‌های همکار می‌خواهد محله را روشن کنند تا نیروی انتظامی به راحتی وارد محله شود و دسترسی داشته باشد. آنها حتما می‌خواهند پاک‌سازی را کامل کنند؛ «فرحزاد هم جزئی از شهر است و نیروی انتظامی نسبت به برخورد با فروشندگان اصلی و سرشاخه‌ها اقداماتش را انجام می‌دهد و با مناطقی که اشتها به فروش مواد دارند، حتما برخورد می‌کنیم. نیروی ویژه هم برای این مسأله در اختیار آنها قرار خواهد گرفت.»

بمبی که مدام جابه‌جا می‌شود

یکی از سازمان‌های غیردولتی که بعد از برف آب‌ان نگران جان معتادان دره شدند، تولدی دوباره بود. عباس دیلمی‌زاده می‌خواهد مسأله فرحزاد را از خیلی پیش از امروز و کلان‌تر ببیند، چرا که این مسأله‌ای جهانی است و در کلان‌شهر کشورهای درحال توسعه سایر نقاط دنیا هم با پدیده‌های مشابهی دیده می‌شود؛ «این برمی‌گردد به سیاست‌های تعدیل‌شده بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول که در کشور ما هم از انتهای دهه ۶۰ و ابتدای دهه ۷۰ و حتی شاید دهه ۸۰ اجرا شد. تکنوکرات‌هایی که بدون توجه به توسعه متوازن و پیوست‌های اجتماعی اقداماتی را انجام دادند و فقر و زاغه‌نشینی و حاشیه‌نشینی را به ارمغان آوردند.» فرحزاد در میانه اتوبان‌ها و برج‌های بلند است. نشانه‌هایی از توسعه و مدرن شدن کنار گوش کسانی که دیلمی‌زاده می‌گوید کارگرانی هستند که در توسعه نقش داشته‌اند، کار کرده‌اند و حالا رانده شده‌اند. ضایعات آن برج‌ها و توسعه‌ای که اتفاق افتاده، امروز نخاله‌هایی است که در دره جمع شده و کسانی را با خود آورده که ضایعات را